سرود دریا دلان تشنه لب

 گریه کن ای ابر ، باران گریه کن

گریه کن بر دامن صحرای سرخ

گریه کن تا قطره ی آبی رسد

برگلوی تشنه ی گلهای سرخ

وقت باران است آه ای آسمان

بر تن تبدار این صحرا ببار

بشکن این بغض غریب و سرد را

بر گداز ظهر عاشورا ببار

از هجوم دشمنان دل سیاه

ساقه های سبز را بی سر ببین

بر زمین داغ دشت کربلا

لاله های سرخ را پرپر ببین